



**بررسی لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب**  
(حمایت از سلامت اجتماعی)

## فهرست

۴.....	مقدمه
۵.....	پیشینه قوانین مربوط به حجاب و عفاف
۸.....	ساختار لایحه
۹.....	لایحه در یک نگاه کلی
۹.....	الف- نقاط قوت لایحه
۱۱.....	ب- نقاط ضعف لایحه
۱۳.....	بررسی مواد لایحه

۱۳	..... ماده یک
۲۲	..... تبصره یک ماده یک
۲۴	..... تبصره دو ماده یک
۲۴	..... تبصره سه ماده یک
۲۶	..... تبصره چهار ماده یک
۲۷	..... ماده دو
۲۸	..... ماده سه
۲۹	..... ماده چهار
۳۰	..... ماده پنج
۳۰	..... ماده شش
۳۳	..... ماده هفت
۳۳	..... ماده هشت
۳۴	..... ماده چهارده

حجاب، یکی از واجبات مسلم دین اسلام و بلکه از ضروریات دین شمرده می‌شود که در آیاتی مانند آیه ۵۹ سوره احزاب «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» و آیه ۳۱ سوره نور «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» مورد تأکید قرار گرفته‌است و بر همین اساس، عدم رعایت آن، از حیث شرعی حرام است. از آنجا که امروزه حجاب به موضوعی سیاسی جهت مقابله با نظام اسلامی تبدیل شده‌است، عدم رعایت آن، علاوه بر حرمت شرعی، جنبه حرام سیاسی نیز به خود گرفته‌است. از بُعد فرهنگی نیز، رعایت حجاب، که نماد هویت ملی - ایرانی است، حائز اهمیت است که امروزه در معرض تهدید جدی قرار گرفته‌است.

از آنجا که اقامه شعائر و ترویج فضای اخلاقی از وظایف اولیه حکومت‌های دینی است، «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج / ۴۱) ورود حاکمیت برای مقابله با بی‌حجابی امری لازم و ضروری شمرده می‌شود. با این حال مداخله حاکمیت نباید صرفاً مداخله قهرآمیز باشد، بلکه با توجه به ماهیت این مسئله که اساساً ماهیتی فرهنگی و عقیدتی دارد، ضروری است

که برای تقویت این واجب شرعی - سیاسی و مسئله هویتی، پیش از هر اقدام حقوقی، جهاد تبیین و اقدامات فرهنگی - تبلیغی و ترویجی در اولویت قرار گیرد. اولویت داشتن و ضرورت فعالیت‌های فرهنگی و اهمیت آن، در هیچ موردی نافی استفاده از ابزارهای قانونی نیست و بر همین اساس، لایحه‌ای از سوی قوه قضائیه تنظیم و به دولت ارسال شد. لایحه مزبور با تغییرات قابل توجهی که در دولت بر روی آن صورت گرفت، در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۳۱ تقدیم مجلس شد که در این نوشته به بررسی لایحه مزبور خواهیم پرداخت.

### **پیشینه قوانین مربوط به حجاب و عفاف**

در مورد حجاب و عفاف، اسناد بالادستی و نیز قوانین و مقررات مهم و متعددی تاکنون به تصویب رسیده است که اسناد و قوانین ذیل، بخشی از آن مجموعه است:

۱. اصول و مبانی روش‌های اجرایی در مسئله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب،

مصوب جلسه ۴۱۳ مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

۲. راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف، مصوب جلسه ۵۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۴ شورای

عالی انقلاب فرهنگی؛

«تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی و نیز تقویت ایمان و تقوا و ...؛ تبیین و توضیح فلسفه

حجاب و عفاف؛ اجتناب از اموری که موجب بدبینی به اسلام و نظام می‌شود؛ برنامه‌ریزی

بر روی مردان و عدم تمرکز افراطی بر روی زنان؛ کار فرهنگی قهرمان‌سازی و معرفی

اسوه‌ها؛ تأکید بر مشوق‌ها و روش ملامت‌آمیز به جای برخورد قهری؛ توجه به محیط

کار، فرهنگ‌ها و ...؛ توجه به حمایت مالی از پوشش‌های مناسب؛ مناسب‌سازی محیط‌ها

و ... (استفاده از کولر در اماکن سر بسته و ...)؛ توسعه فرهنگ تفکر در مفاهیم دینی

به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها» بخشی از توصیه‌های مورد تصریح در این

اسناد بالادستی است.

۳. مجموعه تکمیلی اقدامات اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوب ۱۳۹۸/۸/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در آن تکالیف ۲۷ دستگاه، سازمان و وزارتخانه از وزارت ارشاد و آموزش و پرورش گرفته تا سازمان بسیج و حوزه‌های علمیه نسبت به موضوع حجاب و عفاف مشخص شده است.

۴. قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲: در تبصره ماده ۱۰۲ قانون مزبور مقرر شده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»

۵. قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند مصوب ۱۳۶۵: در ماده ۴ قانون مزبور تصریح شده است: «کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.» تبصره ۲ ماده ۲ قانون مزبور نیز مقرر داشته است: «در صورتی که مجرم، کارمند دولت باشد، علاوه بر یکی از مجازات‌های فوق به یکی از مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: انفصال موقت تا دو سال؛ اخراج و انفصال از خدمات دولتی؛ محرومیت استخدام به مدت پنج سال در کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و نهادها و ارگان‌های دولتی و عمومی.»

۶. قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، مصوب ۱۳۷۶: بند ۱۲ از ماده ۷ عدم رعایت حجاب شرعی را به عنوان یکی از تخلفات انتظامی و جرائم برشمرده است.

۷. قانون تعزیرات مصوّب ۱۳۷۵: در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مزبور که میزان جزای نقدی آن در بهمن ماه ۱۳۹۹ تعدیل شده، چنین آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از دو میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

۸. قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوّب ۱۳۷۱: در این قانون، پس از آنکه در بندهای ۲۰ و ۲۱ ماده هشت، رعایت نکردن حجاب اسلامی و نیز رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی، به عنوان یکی از تخلفات شمرده شده است، در ماده ۹ برای تخلفات اداری و از جمله عدم رعایت حجاب، اقدامات تنبیهی متعددی به صورت مرحله‌ای و پلکانی از اخطار کتبی بدون درج در پرونده تا اخراج از محل خدمت و انفصال دائم از خدمات دولتی پیش‌بینی شده است.

۹. مصوبه جلسه ۴۲۷ مورخ ۱۳/۱۰/۸۴ شورای فرهنگ عمومی: در مصوبه تفصیلی مزبور پس از تبیین سیاست‌ها و راهکارها، وظایف ۲۶ نهاد حاکمیتی از وزارتخانه‌های دولتی گرفته تا قوه قضائیه و مجلس، به صورت مفصل بیان شده است.

## ساختار لایحه

در لایحهٔ ارسالی قوهٔ قضائیه به دولت و لایحهٔ ارسالی دولت به مجلس، ابتدا نسبت به کشف حجاب (برهنگی سر) تعیین تکلیف شده است که این مصداق در واقع مصداقِ اتمِّ و کاملِ عنوان «بدون حجاب شرعی» است که در تبصرهٔ مادهٔ ۶۳۸ آمده است. پس از تخلف و جرم‌انگاری کشف حجاب به جرم‌انگاریِ برهنگی کامل بدن یا هر آنچه در حکم برهنگی کامل است، برهنگی قسمت‌هایی از بدن غیر از سر، و نیز به پوشش‌های نامتعارفی که خلاف هنجارهای اجتماعی است مانند پوشیدن لباس‌های نازکِ بدن‌نما پرداخته شده است و در ادامه مسئولیت رانندگان، متولیان ناوگان حمل‌ونقل، مسئولان ادارات و نهادهای حاکمیتی و کارکنان این بخش‌ها، مسئولان ادارات و اماکن غیردولتی و نیز دارندگان واحدهای تولیدی، بیان شده است و در بخش‌هایی از لایحه به جرائم افرادی که به بانوان محجبه به سبب پوششان توهین می‌کنند و نیز جرائم افرادی که علیه حجاب، فعالیت تبلیغی دارند یا به صورت سازمان‌یافته علیه حجاب اقدام می‌کنند و یا با ارتباط‌گیری با بیگانگان اقداماتی را جهت تضعیف حجاب به عمل می‌آورند، پرداخته شده است. موادی از لایحهٔ مزبور نیز به مجرمانه بودن توهین و ضرب و جرح افراد به یکدیگر - تحت هر عنوانی که باشد - و نیز نحوهٔ بارگذاری مستندات تخلفات و جرائم موضوع لایحه و نحوهٔ رسیدگی و دادگاه رسیدگی‌کننده به این جرائم اختصاص یافته است.



## لایحه در یک نگاه کلی

در یک نگاه کلی، لایحهٔ ارسالی همانند بسیاری از طرح‌ها و لوایح، دارای نقاط ضعف و قوتی است از جمله:

### الف- نقاط قوت لایحه

۱. تفکیک بین مرتکبان مختلف و اتخاذ سیاست کیفری متناسب با هر دسته از مجرمان؛ در لایحه بین مرتکبان مختلف تفکیک شده و متناسب با جایگاه مرتکبان و آثار رفتار هریک در جامعه، جریمه یا کیفر متناسب پیش‌بینی شده‌است. کشف حجاب توسط یک شهروند، متفاوت از کشف حجاب یک سلبریتی دیده و کشف حجاب‌های فردی متفاوت از فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی علیه حجاب دیده شده‌است که سیاست و تصمیم درستی به‌نظر می‌رسد.

۲. در نظر گرفتن طیف وسیع‌تری از جرایم؛ در لایحهٔ مزبور برخلاف قانون تعزیرات که تنها عدم رعایت حجاب را جرم‌انگاری کرده‌است، متعزّض پوشش‌های خلاف اخلاق و عفت و نیز فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی علیه حجاب و ... شده‌است.

۳. توجه جدی‌تر به تخلفات مستخدمین دولتی و نهادهای حاکمیتی در کنار تعیین ضمانت اجراهای قوی‌تر نسبت به مدیران و مسئولان نهادهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی؛ با اینکه در اسناد بالادستی مانند مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز قوانین و مصوبات برای دستگاه‌ها و مسئولان، تکالیفی در مورد حجاب تعیین شده‌است و همین‌طور در قوانین متعدد مانند قانون رسیدگی به تخلفات اداری، ضمانت‌اجراهایی برای عدم رعایت حجاب از سوی مستخدمین دولتی پیش‌بینی شده‌است که در عمل اجرایی نشده‌است، در این لایحه ضمن

اینکه این دو مورد در کنار هم و به صورت متصل به هم پیش‌بینی شده‌است، ضمانت اجراهای قوی‌تری نیز برای آن در نظر گرفته شده‌است.

۴. منطقی و عملیاتی شدن ضمانت اجراها با:

- عدول از جرم‌انگاری مطلق به تخلف - جرم‌انگاری حسب مورد (جرم‌انگاری مطلق همه موارد، هم قابلیت اجرای قانون را سست می‌کند و هم طیف وسیعی از اقشار مردم را به مجرم تبدیل می‌کند).

- عدول حجاب شرعی به برهنگی سر و مصادیق روشن‌تر (عدم رعایت حجاب شرعی نه تنها عملاً طیف بسیار وسیعی از شهروندان را که دارای حجاب عرفی هستند، شامل می‌شود بلکه بسیاری از متدینین نیز به طور کامل حجاب شرعی را، مخصوصاً در محیط‌های روستایی و عشایری رعایت نمی‌کنند و در نتیجه مشمول عنوان عدم رعایت حجاب شرعی می‌شوند و به همین دلیل عملاً امکان جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی وجود نداشته و ندارد).

- عدول از مواجهه مستقیم به مواجهه غیرمستقیم (مواجهه مستقیم پلیس با بدحجابان، آثار و تبعات زیادی به وجود می‌آورد و چنانکه مشاهده کردیم این نوع عملکرد، بهانه‌ای برای ایجاد ناامنی و ناآرامی در کشور شد. اصولاً باید مواجهه مستقیم و فوری پلیس نسبت به جرائم حادّی مانند برهنگی باشد که در لایحه پیش‌بینی شده‌است و یا نسبت به جرائم مهم و خشنی که امنیت اجتماع را به هم می‌ریزد. مواجهه غیرمستقیم و هوشمند - نه تنها در این موضوع بلکه در سایر جرائم غیرخشن یا غیرمحلّ به نظم اجتماع - دارای تبعات کمتر است و باید به این سمت حرکت کرد. شخصی که مرتکب بی‌حجابی شده‌است، یک شهروند عادی است که می‌توان در هر زمانی او را به دادگاه فراخواند و به

جرمش رسیدگی کرد بدون آنکه نیازی به برخورد خشن و دستبند زدن و دستگیر کردن او باشد.)

## ب- نقاط ضعف لایحه

۱. غفلت از وظایف و تکالیف نهادها؛ حجاب اساساً یک مقوله فرهنگی است که باید به صورت ریشه‌ای و با تقویت بنیادهای اعتقادی و عقیدتی علاج شود و به عنوان آخرین راه حل و به صورت موردی و محدود از آن استفاده شود. بنابراین اولین نکته‌ای که باید لحاظ شود، اقدامات ترویجی و تبلیغی است که در این زمینه نهادهای حاکمیتی (صداوسیما، وزارت ارشاد و ...) و مذهبی (حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات و ...) نقش اساسی در تقویت باورهای مردم دارند. متأسفانه در لایحه مزبور، بخش مربوط به وظایف نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی خالی است.

۲. نادیده گرفته شدن سیاست‌های حمایتی و تشویقی؛ رویکرد لایحه تنها تنبیه و برخورد سخت حقوقی برای مقابله با معضل بی‌حجابی است در حالی که در کنار آن باید سیاست‌های حمایتی (مانند پرداخت یارانه برای تولید چادر و مانتوهای جوان‌پسند، باکیفیت و جذاب و در عین حال متناسب با فرهنگ اسلامی) نیز مطرح نظر قرار می‌گرفت. همچنین پیش‌بینی برخی سیاست‌های تشویقی (مانند معافیت از پرداخت مالیات توسط واحدهای تولیدی و مراکز فروشگاهی که نسبت به موضوع حجاب، نقش مثبت و فعالی ایفا کنند) می‌توانست در مواردی مؤثرتر و مقبول‌تر باشد.

۳. به کار رفتن عناوین مبهم مانند نقض هنجارهای اجتماعی؛ یکی از ایرادات لایحه به کار رفتن عناوین مبهم مانند «نقض هنجارهای اجتماعی، پوشش چسبان

و ...» در آن است درحالی که عبارات به کاررفته در مقررات جزایی باید دقیق، روشن و بدون ابهام باشد تا تابِ تفسیرهای متفاوت را نداشته باشد.

۴. تعدی از اصل مسئولیت شخصی؛ در لایحه مزبور در مواردی از اصل مسئولیت شخصی و قاعده وزر (و لاتزر وازره وزر اخری) تعدی شده است و افرادی به جهت رفتار شخص دیگری که مرتکب کشف حجاب شده است، مجازات می‌شوند. جریمه و مجازات کردن راننده تاکسی یا اتوبوسی که مسافرش بعد از سوار شدن به وسیله نقلیه و علی‌رغم تذکر راننده، کشف حجاب می‌کند از این جمله است و نیز تعطیلی فروشگاه‌های بزرگی، که دارای مغازه‌های متعدد است، به سبب کشف حجاب مالک آن فروشگاه، در واقع مجازات شدن مغازه‌دارانی است که تقصیری در این مورد نداشته‌اند.

۵. عدم پیش‌بینی مجازات و ضمانت اجرای لازم نسبت به مواردی که مرتکب به برخی از محرومیت‌ها از جمله محرومیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم شده است و علی‌رغم این محکومیت، به فعالیت خود ادامه می‌دهد، از جمله نقاط ضعف لایحه است. ضرورت داشت در ضمن تبصره‌ای برای نقض دستورات دادگاه در این گونه موارد، ضمانت اجرای مناسب و بازدارنده‌ای پیش‌بینی می‌شد.

## بررسی مواد لایحه

قبل از بیان ایرادات کلی، باید متذکر شد که عنوان لایحه، «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» و یا «حمایت از سلامت اجتماعی» است که هر دو، جای تأمل دارد. عنوان اول از این جهت ایراد دارد که بین دو عنوان حجاب و عفاف همسان‌پنداری صورت گرفته و تصور شده‌است که این دو عنوان دارای مفهوم واحدی است، درحالی‌که بین حجاب و عفاف رابطه عموم خصوص من وجه است. حتی اگر ارائه‌دهندگان این لایحه به متفاوت بودن این دو عنوان التفات داشته باشند و با وجود آن، از این دو عنوان استفاده کرده باشند، بازهم چنین عنوانی مناسب لایحه نیست، زیرا موضوع لایحه تنها حجاب است و نه عفاف. بنابراین موضوع مواد، خاص‌تر از عنوان لایحه است.

در مورد عنوان دوم یعنی «حمایت از سلامت اجتماعی» نیز با صرف‌نظر از اینکه مقصود از این عنوان دقیق مشخص نیست که سلامت اخلاقی اجتماع مراد است یا چیزی فراتر از آن، ایراد پیش گفته در اینجا نیز مطرح است که موضوع مواد لایحه بسیار خاص‌تر از سلامت اجتماعی است که طیف وسیعی از موارد و عناوین را در برمی‌گیرد.

### ماده یک

۱. در متن ارسالی لایحه از سوی دولت به قوه قضائیه و نیز متن اولیه ارسالی از سوی دولت، نسبت به جرم کشف حجاب، صرفاً روش پیامکی پیش‌بینی و بیان شده بود: «... در مرتبه اول از طریق مقتضی با استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوشمند مانند ارسال پیامک تذکر دهند.» پیشنهاد مزبور این حُسن را داشت که پلیس را از مواجهه حضوری، که غالباً تبعات خاص خود را داشت، مصون می‌داشت و از سویی باعث می‌شد که فراجا آن مقدار از نیرو و انرژی خود را که برای این منظور به کار می‌رفت، برای انجام مأموریت‌های اصلی و

مهم‌تر، آزاد سازد. با این حال با توجه به اینکه زیرساخت‌های لازم برای کنترل هوشمند از طریق سامانه‌ها در کل کشور هنوز فراهم نشده‌است، عملاً مقابله با پدیده بی‌حجابی در بخش‌های زیادی از کشور، عملیاتی نمی‌شد و این از معایب نسخه پیشنهادی قوه قضائیه بود.

در متن اصلاح‌شده لایحه دولت، عبارت «از طریق مقتضی با استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوشمند» به عبارت «از طریق مقتضی یا با استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوشمند» تبدیل شده‌است. اصلاح به عمل آمده هرچند ایراد پیش‌گفته را برطرف ساخته، ولی با درگیر کردن مجدد ضابطان با افراد بی‌حجاب، عملاً غرض اصلی را، که مواجهه غیرمستقیم و هوشمند بوده‌است، نقض کرده‌است. علاوه بر نقض غرضی که بیان شد این تأملات نیز در اصلاح صورت گرفته قابل توجه است که: مقصود از طرق مقتضی چیست؟ در چه مواردی از سامانه‌های هوشمند استفاده می‌شود و در چه مواردی از طرق مقتضی دیگر استفاده می‌شود؟ آیا علیرغم وجود سامانه، بازهم فراجا می‌تواند از طرق دیگر عمل کند؟ با عنایت به اینکه چینش مواد بعدی مانند بارگذاری مدارک و مستندات کشف حجاب، نحوه اعتراض و ... غالباً با پیش‌فرض همان سامانه‌ها طراحی شده‌است، نحوه اعمال مقررات بعدی چگونه خواهد بود؟

پیشنهاد مناسب آن است که متن اولیه لایحه به همان صورت باقی بماند و در تبصره‌ای تصریح شود که: در قسمت‌هایی که مجهز به سامانه‌های هوشمند نیست، فراجا می‌تواند بدون مواجهه مستقیم، از طریق دوربین‌های نصب‌شده بر لباس‌های فرم، کشف حجاب را ثبت و گزارش نماید و در صورتی که مجهز به دوربین‌های مزبور نیز نباشد، به صورت دستی تخلف یا جرم را ثبت و گزارش نماید.

باید توجه داشت براساس این پیشنهاد، متن مواد مرتبط با این اصلاحیه نیز، باید اصلاح شود.

۲. از نظر فقهی، تصویربرداری چه از طریق سامانه‌های هوشمند باشد چه دوربین‌های نصب‌شده بر روی لباس فرم‌های فراجا، با چالش‌های فقهی روبه‌روست. برخی از فقها تصویربرداری بدون اجازه دیگران را - حتی در حالت عادی و بدون کشف حجاب - اجازه نمی‌دهند. تصویربرداری از بانوانی که دارای پوشش نامناسبی هستند ممکن است عناوین ثانوی دیگری نیز از قبیل اشاعه فحشا و مانند آن پیدا کند، زیرا چه‌بسا همین تصاویر موجب سوءاستفاده‌هایی شود و یا ممکن است باعث اختلافاتی در خانواده‌ها شود. بنابراین قبل از نهایی شدن این روش جدید، باید برای این‌گونه ملاحظات، به‌نحوی راه برون‌رفتی یافت. بدیهی است تصویربرداری از یک راننده متخلف یا یک سارق، بسیار متفاوت از تصویربرداری از یک خانم بی‌حجاب یا خانمی است که دارای پوشش نامناسب است.

۳. در بند الف ماده یک، کشف حجابی که در اماکن عمومی باشد، مطلقاً جرم‌انگاری شده‌است درحالی‌که از حیث مقررات شرعی، پوشش سر و بدن برای بانوان تنها در صورتی است که در معرض دید نامحرم باشند و لذا در خیابان، جاده، کوچه یا پارکی که خلوت است و ناظر نامحرمی در آن مکان وجود ندارد، نباید کشف حجاب، جرم‌انگاری شود و ثبت چنین صحنه‌ای توسط دوربین‌ها و سامانه‌های هوشمند، ملاکی برای جرم‌انگاری باشد.

۴. براساس ایراد مطرح‌شده در بند یک، باید در تبصره‌ای، فراجا مکلف شود که نسبت به نصب دوربین، اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهد تا بانوان از پوشش خود مراقبت نموده و اقدام به برداشتن روسری و یا سهل‌انگاری در پوشش خود نکنند.

۵. در بند الف ماده یک، آنچه جرم‌انگاری شده‌است، نقض هنجارهای اجتماعی است که کشف حجاب یکی از مصادیق آن برشمرده شده‌است، در حالی که در لایحه قوه قضائیه جرم‌انگاری به صورت مشخص در مورد کشف حجاب یا برهنگی سر بود. با تغییری که در متن لایحه صورت گرفته‌است، لایحه از جهت همین تغییر عبارتی، ایرادات ذیل را پیدا کرده‌است:

الف- هنجارهای اجتماعی، مفهوم روشنی نیست که بشود آن را در قوانین کیفری به کار برد. اصولاً هنجار، رفتاری است که اکثریت افراد جامعه به آن پایبند هستند به گونه‌ای که عمل کردن برخلاف آن، رفتار و واکنش افراد جامعه را در پی دارد، حال منشأ رفتار اعتقادات دینی باشد یا رسومات دینی یا الزامات قانونی و ... براساس این تعریف عدم رعایت حجاب شرعی - به ویژه نسبت به مصادیق بدحجابی یا شل‌حجابی - دیگر نقض یک هنجار اجتماعی محسوب نمی‌شود.

ب- از آنجا که کشف حجاب تنها به عنوان یکی از مصادیق جرم نقض هنجارهای اجتماعی ذکر شده‌است، ضابط می‌تواند نسبت به نقض سایر هنجارها هم اقدام لازم را انجام دهد و قاضی نیز براساس آن، حکم به مجازات دهد. حال سؤال این است که سایر مواردی که می‌تواند نقض هنجار اجتماعی تلقی شود، کدام است؟ به عنوان مثال: آیا قهقهه زدن چند جوان در خیابان را می‌توان به عنوان نقض هنجار اجتماعی، جریمه و مجازات کرد؟ آیا حرکات سبک چند پسر جوان مانند مانند سروصدا کردن در خیابان و شوخی‌های آنها مانند پاشیدن آب به روی یکدیگر و یا هل دادن همدیگر را می‌توان نقض هنجار اجتماعی دانست و جریمه و مجازات کرد؟ آیا آمدن به خیابان با یک پیژامه توسط یک مرد، نقض هنجار اجتماعی و مستوجب مجازات است؟

ج- جرم‌انگاری حجاب صرفاً به دلیل نقض هنجار اجتماعی، دارای یک محذور دیگر نیز می‌باشد و آن این است که در مواردی که بی‌حجابی در شهر



یا مکان خاصی تبدیل به هنجار شده باشد، نشود با بی‌حجابی مقابله کرد، چون بی‌حجابی در آنجا نقض هنجار اجتماعی محسوب نمی‌شود. با عنایت به اینکه بی‌حجابی، حرام شرعی و به فرمایش مقام معظم رهبری، هم حرام شرعی و هم حرام سیاسی است، ملاک جرم‌انگاری در موارد بی‌حجابی باید همان قاعده «التعزیر لکل فعل حرام» باشد که مستند به فقه و فتاوی فقهاست، نه نقض هنجارهای اجتماعی.

د- نقض هنجار اجتماعی و تلاش برای تغییر آن - خصوصاً در مورد آداب و رسومی که منشأ شرعی یا عقلایی ندارد- نه تنها جایز و بلکه لازم است، درحالی که مطابق تعبیر به کار رفته در ماده، باید ناقضِ چنین هنجارهایی را نیز مجازات کرد که منطقی نیست.

۶. در بند الف ماده یک، کشف حجاب در فضای مجازی جرم‌انگاری شده است. به نظر می‌رسد جریمه و مجازات کردن تمامی افرادی که در فضای مجازی اقدام به کشف حجاب می‌کنند، عملی نباشد و از این رو بهتر است بین حالتی که کشف حجاب به صورت زنده و لایو است با حالتی که صرفاً عکس بدون حجاب گذاشته شده است، تفکیک قائل شویم و صورتی را که صرفاً عکس بدون حجاب بانویی بر روی پروفایل او یا صفحه اوست، جرم‌انگاری نشود. (قابل ذکر است که از لحاظ فقهی در اینکه نشان دادن عکس بدون حجاب، همان حکم برهنگی سر در مقابل نامحرم را دارد یا خیر، اتفاق نظر وجود ندارد، کما اینکه نسبت به حرمت نظر کردن به عکس بدون حجاب یک زن، مسئله اختلافی است.)

همچنین باید بین گروه‌ها، کانال‌ها و صفحات خصوصی و یا صفحاتی که مختص بانوان است با صفحات یا کانال‌ها یا گروه‌های عمومی، قائل به تفکیک شد و از

جرم‌انگاری نسبت به گروه‌ها و صفحات مختص بانوان - علیرغم اینکه امکان حضور افراد دیگر و مردان نیز با هویت جعلی به‌سادگی میسر است<sup>۱</sup> - خودداری کرد.

همچنین باید توجه داشت که امکان جعل هویت و سوءاستفاده در فضای مجازی بسیار فراوان است و به‌سادگی افرادی از هر طیف، می‌توانند با قرار دادن عکس و حتی تصویر متحرک بانویی که به هر طریقی به آن دست یافته‌اند، در اکانت یا صفحه‌ای به نام او، صاحب آن تصویر را در معرض اتهام قرار دهند. از این‌رو لازم است در همین لایحه تدابیری اندیشیده شود که اولاً امکان چنین سوءاستفاده‌هایی کاهش یابد. ثانیاً در صورت مشخص شدن فردی که اقدام به جعل هویت و ساختن صفحه یا اکانت جعلی کرده، مجازات جدی برای جعل‌کننده در نظر گرفته شود و ثالثاً آنها در صورت اثبات تعلق صفحه و اکانت به صاحب عکس و تصویر، بتوان او را مجازات کرد. (به عبارتی اصل بر انتساب صفحه و اکانت به صاحب عکس گذاشته نشود).

۷. با عنایت به اینکه در این لایحه، معیار جرم‌انگاری، کشف حجاب یا برهنگی در ملأ عام یا مکان عمومی قرار داده شده‌است، برخی از مواردی که لازم است جرم‌انگاری شود از شمول این قانون خارج شده‌است مانند موردی که شخصی در بالکن منزل یا تراس آن، که کاملاً مشرف به کوچه یا خیابان شلوغ است و به‌وضوح در معرض دید عابران است، کشف حجاب نماید و یا قسمت‌هایی از بدن را برهنه سازد. به‌نظر می‌رسد باید به‌جای عبارت «اشخاصی که در ملأ عام و اماکن عمومی»، عبارت جامع و مانعی به کار رود مانند «اشخاصی که در معرض دید دیگران هستند» و یا تعبیر مشابه دیگری استفاده شود. قابل ذکر است که در تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف از

---

<sup>۱</sup> در چنین مواردی که مردی با هویت جعلی زنانه وارد گروه‌ها یا صفحات اختصاصی بانوان می‌شود، آن شخصی که مستحق مجازات است، کسی است که چنین رفتاری را مرتکب شده‌است.

این تعبیر استفاده شده است: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار دارند.»

۸. در بند الف لایحه ارسالی قوه قضائیه به دولت، مرتکبان جرائم، بانوان و زنان بودند که در لایحه دولت تعمیم یافته و به اشخاص تغییر کرده و عبارت «زنانی که در ملاء عام و اماکن عمومی...» به عبارت «اشخاصی که در ملاء عام و اماکن عمومی...» تغییر کرد. ظاهراً دلیل این تغییر، گسترش دامنه مشمولان این قانون از زنان به مردان نیز بوده است که صحیح نیست و کشف حجاب و برهنگی سر، نسبت به مردان بی معنا است و همان تعبیر زنان، دقیق و به جاست. (قابل ذکر است که مرتکبان بند الف ماده یک، تنها زنان و بانوان هستند و مردان نمی توانند مشمول حکم بند الف باشند. نسبت به بندهای ب و ج مردان نیز می توانند مشمول حکم ماده باشند که حکم آن دو بند، هم در لایحه قوه قضائیه و هم لایحه ارسالی دولت، عام و مطلق آمده است.)

۹. در بند الف ماده یک در صورتی که مرتکب برای بار چهارم و بیشتر، مرتکب بی حجابی شود، هم باید جریمه‌ای که برای تخلف پیش‌بینی شده است را بدهد و هم جزای نقدی را که برای مجازات‌ها پیش‌بینی شده که صحیح به نظر نمی‌رسد یک رفتار، هم مصداق تخلف باشد و هم جرم. در صورتی که از نظر نویسندگان لایحه که مقدار جزای نقدی درجه هشت کافی نبود، می‌توانستند جزای نقدی درجه هفت را پیشنهاد دهند.

۱۰. با عنایت به اینکه در لایحه، کشف حجاب آمده است و ممکن است از این تعبیر برداشت‌های مختلفی صورت پذیرد، بهتر است به صورت دقیق، عنوان مجرمانه در بند الف، برهنگی کامل سر باشد. در صورتی که چنین تعبیری جایگزین تعبیر کشف حجاب شود، لازم است مواردی که در عرف در حکم

برهنگی کامل سر محسوب می‌شود مانند گذاشتن یک پوشش نواری ناچیز بر روی سر یا بستن هدبند نیز ملحق به برهنگی کامل شود. براساس توضیحات داده شده، پیشنهاد می‌شود عبارت ماده «اقدام به ... کشف حجاب می‌نمایند» به عبارت «اقدام به ... برهنگی کامل سر و یا آنچه در حکم برهنگی کامل سر محسوب می‌شود، می‌نمایند» و یا تعبیر مشابه دیگر، تغییر نماید.

در صورتی که ماده به همین نحو باقی بماند، باز هم بهتر است عبارت «اقدام به ... کشف حجاب می‌نمایند» به عبارت «اقدام به ... کشف حجاب یا آنچه در حکم کشف حجاب محسوب می‌شود، می‌نمایند» تغییر یابد.

۱۱. در بند ب ماده الف علاوه بر برخی از ایرادات بند الف، ضرورت دارد

که در آیین‌نامه‌ای که به نحو مقتضی به اطلاع عموم برسد، لباس چسبان و حتی لباس نازک بدن‌نما تعریف شود تا موجب سوء برداشت‌ها نشود.

۱۲. برهنگی قسمت‌هایی از بدن که در بند ب ماده یک آمده است، طیف وسیع و گسترده‌ای از موارد را شامل می‌شود، مانند دیده شدن قسمتی از ساعد و مچ پا تا موارد حادّ و خلاف اخلاقی شدید. با اذعان به اینکه برخی از مصادیق «برهنگی بخشی از بدن» بدون تردید شدیدتر از کشف حجاب است، لیکن برخی از مصادیق برهنگی بدن ماننده دیده شدن ساعد دست یا مچ پا، خفیف‌تر از برهنگی کامل سر است و نباید مجازاتش سنگین‌تر از کشف حجاب باشد، خصوصاً با عنایت به اینکه بسیاری از بانوان و حتی متدینین نیز مشمول چنین جرم‌انگاری‌هایی قرار می‌گیرند. در کشف حجاب ابتدا تذکر داده می‌شود بعد در دو مرحله جریمه و سپس مجازات درجه هفت می‌شود، درحالی که در برهنگی بخشی از بدن، از همان ابتدا جریمه‌ای معادل جزای نقدی درجه هفت

دارد و در مرحله بعدی، رفتار مرتکب وصف مجرمانه می گیرد و مجازات درجه شش دارد که معقول نیست.

برای رفع این ایراد بهتر است همان عبارت لایحه قوه قضائیه آورده شود و اطلاق عبارت «در صورت برهنگی بخشی از بدن و یا پوشیدن لباس های نازک بدن نما و یا چسبان در ملاء عام ...» مقید گردد به «در صورت برهنگی بخشی از بدن و یا پوشیدن لباس های نازک بدن نما که موجب جریحه دار شدن عفت عمومی می شود ...».

۱۳. اصلاح عبارتی: در قانون نویسی نباید عبارات حشو و زاید به کار برد، در حالی که در ماده یک، هم عبارت «که ضابط قوه قضائیه محسوب می شوند» و هم عبارت «که در این قانون جهت اختصار فراج نامیده می شوند» نیازی نیست و توضیح واضح است.

## تبصره یک ماده یک

۱. فرق کشف حجاب در وسیله نقلیه با بیرون آن چیست که در وسیله نقلیه (که اتفاقاً دید کمتری نسبت به آن است) مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده‌است؟

۲. مجازات راننده به دلیل رفتار غیر - خصوصاً جایی که راننده تذکر داده - مصداق بارزِ مسئولیتِ ناشی از عمل غیر و صراحتاً در تضاد با آیات قرآن و از جمله قاعدهٔ وزر است که می‌فرماید: «و لا تزر وازره وزر اخری».

۳. توقیف خودرو یا منع تردد آن، به سبب انجام یک جرم یا تخلف، آن‌هم تخلف غیر، وجاهت شرعی و قانونی ندارد، خصوصاً جایی که وسیلهٔ کسب و کار راننده همان وسیلهٔ نقلیه است.

۴. اعمال سه نوع جریمه برای راننده، خصوصاً رانندگانی که مسافرکشی می‌کنند و خود، مرتکب جرم نشده‌اند و مسافران، چه بسا برخلاف میل راننده، اقدام به کشف حجاب کرده‌اند، بسیار سخت و غیرمنطقی است.

۵. وضع چنین مقرراتی موجب ایجاد تقابل و منازعه بین افراد جامعه خواهد شد. دور از انتظار نیست که به سبب تذکر راننده و در مواردی صاحب فروشگاه و ترتیب اثر ندادن مسافر یا مشتری به تذکر راننده یا صاحب مغازه، بگو مگو و نزاع بین آنها صورت گیرد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که وظیفهٔ شهروندان امر به معروف و نهی از منکر است و چنان که در جای خود مقرر است، یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر دادن است و نه بیش از آن. بر راننده و صاحب مغازه بیش از تذکر خیرخواهانه که احتمال تأثیر در آن وجود دارد، نیست. این‌گونه مقررات خارج از چارچوب‌های شرع و

موازن حقوقی و دارای آثار نامطلوب اجتماعی است و به نوعی موجب تشمت و دودستگی در جامعه خواهد شد.

۶. اطلاق ذیل تبصره ۱ ماده ۱، متصدیان حمل و نقل عمومی دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها را نیز شامل می‌شود. براساس این تبصره در صورتی که متصدی حمل و نقل در نظارت خود کوتاهی کند، به جای تنبیه او و برکناری‌اش از مسئولیت، به‌عنوان تنبیه و مجازات کلیه امتیازات، تخفیفات اعطایی و ... لغو می‌شود که منطقی نیست.

۷. در تبصره یک ماده یک مشخص نیست که اخطار توقیف مربوط به کدام مرحله است؛ مرحله پیامکی یا مرحله دوم و سوم یا چهارم که جریمه است یا همه مراحل؟ ظهور عبارت «علاوه بر جرائم و مجازات‌ها» آن است که در هر یک از مراحل جریمه و نیز مرحله چهارم که مجازات است، باید اخطار توقیف داده شود درحالی که اخطار، منطقیاً باید مختص به مرحله‌ای باشد که قرار است بعد از آن مرحله، خودرو توقیف شود، نه مراحل ابتدایی. به نظر می‌رسد عبارت صدر تبصره از جهات دیگر نیز ابهام دارد و باید بازنویسی شود. (به‌عنوان نمونه مشخص نیست مقصود از عبارت «پس از اخطار توقیف به ترتیب مذکور در این ماده تا دو مرتبه» چیست. آیا مقصود آن است که در مورد راننده دو بار اخطار توقیف داده می‌شود یا اینکه بعد از دو مرحله جریمه، اخطار توقیف داده می‌شود یا چیز دیگری مراد است؟)

۸. اصلاح عبارتی: در متن این تبصره و برخی موارد دیگر مانند تبصره پنجم همین ماده به‌جای عبارت جریمه‌ها از عبارت جرائم استفاده شده است که درست نیست، زیرا جرائم جمع جرم است، نه جریمه.

### تبصره دو ماده یک

مطابق تبصره دو در صورت عدم پرداخت جریمه در مهلت مقرر، جریمه مزبور دوبرابر خواهد شد. به نظر می‌رسد دوبرابر شدن جریمه‌ها باید مشروط شود به حالتی شود که مرتکب به نحو مقتضی و متعارف، از جریمه شدن خود مطلع شده باشد.

### تبصره سه ماده یک

در تبصره ۳ ماده ۱ به گزارش‌گیری مردمی اشاره شده است که در این خصوص ملاحظه جدی وجود دارد. توضیح اینکه کیفیت گزارش‌دهی مردمی هرچند براساس ماده ۱۵ همین لایحه موکول به آیین‌نامه شده است، اما آنچه مسلم است آن است که این گزارش باید مکتوب و مستند به تصاویری باشد که قابلیت بارگذاری در سامانه را داشته باشد تا مطابق تبصره‌های بعدی، برای شخصی مرتکب، امکان رؤیت تخلفش در سامانه و پس از آن، امکان اعتراض برای وی وجود داشته باشد. حال با توجه به این نکته که مقدمه گزارش‌دهی، گرفتن عکس است، در خصوص گزارش‌گیری مردمی، چند ملاحظه و تأمل وجود خواهد داشت:

الف- تجویز تصویربرداری از سوی مردم - هرچند در جهت اجرای بهتر قانون باشد - اما از نظر شرعی محذوراتی در پی دارد که پیش از این نسبت به تصویربرداری از بانوان بی‌حجاب یا با پوشش نامناسب توسط سامانه‌ها یا فراجا گفته شد. بی‌شک ایراد مزبور نسبت به رفتار مردم در تصویربرداری از نوع پوشش و حجاب بانوان، با محذورات بیشتری روبه‌رو خواهد بود.

ب- تجویز تصویربرداری مردم از بانوان، موجب برخورد و منازعه و تقابل خواهد شد و به نحو ناخواسته‌ای مردم را در مقابل یکدیگر قرار خواهد داد و حتی واکنش برخی از مذهبی‌ها را به نفع افراد فاقد حجاب برخواهد انگیخت. نباید از یاد برد که بانوان غیرمحبوبه باید متدینین را برادران و خواهران خود که خیرخواه و دوستدار آنها هستند،



بدانند، نه منتسبین به حکومت که در صدد گزارش تخلفات آنها به حاکمیت و مجازات آنها هستند. اساساً ورود مردم به این موضوع باید متفاوت از ورود حاکمیت باشد و از موضع کاملاً دوستانه و محبت آمیز باشد. (حتی حاکمیت نیز حتی المقدور باید شیوه‌های تبیینی و ارشادی را در این زمینه‌ها در پیش بگیرد و تنها برای موارد حاد که بر ارتکاب جرم اصرار وجود دارد، وارد شود).

ج- سنخ جرم بی‌حجابی اساساً از سنخ جرائم خشن، امنیتی و مالی نیست که دخالت مردم به این نحو را بطلبد. در جرائم امنیتی و مالی، نوع افراد جامعه گزارش‌دادن‌های مردمی را موجه و قابل قبول و غالباً بدون مفسده می‌دانند، درحالی که نسبت به عکس گرفتن و ارسال گزارش به فراجا، چنین رفتاری را قابل قبول نخواهند دانست ضمن اینکه ارتکاب این جرم - برخلاف مفاسد اقتصادی یا جرائم امنیتی و مانند آن - به گونه‌ای کاملاً آشکار است که نیازی به مداخله مردم به شکلی که در این لایحه آمده است، وجود ندارد.

اگر مقصود ارائه‌دهندگان لایحه، صرف گزارش دادن بدون تصویربرداری باشد، این روش هم محذورات متعددی دارد. فارغ از ایجاد تقابل در مواردی محدودتر از تصویربرداری، عملاً این گونه گزارشات قابل استناد نیست و ارزشی نخواهد داشت که براساس آن بشود جریمه یا مجازات کرد ضمن اینکه اگر تصویری موجود نباشد، امکان بارگذاری مستندات بی‌حجابی وجود ندارد و به تبع آن، امکان اعتراض برای مرتکب، سخت و امکان رسیدگی و صدور حکم، سخت‌تر خواهد بود.

علاوه بر محذورات پیش گفته، پذیرش و قانونی کردن ترتیب اثر دادن به گزارشات موجب خواهد شد که فراجا با حجم بالایی از گزارشات مردمی مواجه شود. این حجم

زیاد حتماً نیاز به پالایش<sup>۱</sup> دارد و از سوی دیگر، سطح توقع و انتظار گزارش دهنده را بالا خواهد برد. (طبیعتاً کسی که گزارش داده، توقع دارد که از نتیجه گزارشش مطلع شود و ...)

### تبصره چهار ماده یک

۱. در تبصره چهار برای رسیدگی به اعتراض شهروندان، مقرر شده است که این اعتراض در هیأتی مرکب از یک قاضی به انتخاب رئیس قوه قضائیه، یک نماینده از وزارت کشور، و یک شخص از فراجا مورد رسیدگی قرار گیرد که کاملاً غیرمنطقی و غیرقابل توجیه است. اعتراض به اصل ارسال پیامک تذکر و حتی پیامک مربوط به مراحل بعدی، چقدر اهمیت دارد که بخواهد مجموعه‌ای را درگیر کند؟

۲. با تنزل از ایراد قبل، منطقی نیست که برای رسیدگی به چنین موضوعی، قاضی یا قضات ویژه‌ای از سوی رئیس قوه قضائیه منصوب شوند. اگر اصرار بر رسیدگی اعتراضات در یک هیأت سه نفره باشد و باز هم اگر الزامی برای حضور یک قاضی در ترکیب آن هیأت وجود داشته باشد، صرف حضور یک قاضی عادی کفایت می‌کند.

۳. براساس تبصره چهار و با توجه به عبارت «اعتراض در هیأتی مرکب از ... در حوزه قضایی شهرستان رسیدگی و ...» مشخص می‌شود که در هر حوزه شهرستانی باید چنین هیأتی تشکیل شود. حال با توجه به حوزه‌های متعدد

---

<sup>۱</sup> پالایش گزارشات و تفکیک گزارشات صحیح یا محفوف به قرائن از سایر گزارشات، از بدیهیات است زیرا بسیار روشن است که تعداد قابل توجهی از مردم بنابه دلایل مختلف، از جمله داشتن خصومت و دشمنی با یکدیگر، گزارشات نادرستی را ارسال خواهند کرد که ترتیب اثر دادن به تمامی آنها غیرمنطقی و مشکل ساز است.

قضایی، رئیس قوه قضائیه باید ده‌ها قاضی را برای رسیدگی به اعتراضات موضوع ماده یک لایحه، تعیین نماید که غیرممکن و غیرمنطقی است.

۴. منطقی نیست که برای رسیدگی به اعتراض در مراحل اولیه، یک هیأت تشکیل شود و در آن هیأت قاضی ویژه و منصوب از سوی رئیس قضا باشد، ولی برای رسیدگی در مرحله چهارم به بعد، که رفتار تبدیل به جرم شده‌است، تنها یک قاضی معمولی رسیدگی کند.

۵. اصلاح عبارتی: با اینکه در ذیل تبصره، رأی صادره قطعی تلقی شده، در انتهای تبصره گفته شده‌است «جرائم پس از قطعیت رأی وصول می‌شود» که این عبارت جایی به کار می‌رود که رأی صادره مهلت اعتراض دارد و آن مهلت سپری شده یا در مرجع بالاتر تأیید شده باشد. علاوه بر آن در متن تبصره، عبارت «اعلام» زاید است و حذف آن هیچ خللی به معنا وارد نمی‌کند.

## ماده دو

۱. مطابق تبصره دوم ماده دوم مسئولان و مدیران دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر آنکه نسبت به انجام برخی اقدامات در خصوص حجاب مکلف شده‌اند، نسبت به نتیجه نیز مکلف شده‌اند به گونه‌ای که اگر اقدامات آنها منتهی به اجرای قانون حجاب نشود، در مرتبه اول توبیخ کتبی و در مرتبه دوم به محرومیت از تصدی سمت‌های مدیریتی محکوم خواهند شد. با عنایت به تبصره یک به نظر می‌رسد موضوع تبصره دوم نیز رعایت حجاب از سوی ارباب رجوع یا اعم از آن است، تشبیه مدیری که نسبت به انجام وظیفه خود با جدیت اقدام کرده، ولی نتیجه مورد نظر را نگرفته‌است و برخی از مراجعان حجاب را رعایت نکرده‌اند، منطقی

و منصفانه نیست. این تأمل و ایراد نسبت به برخی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های عریض و طویل، جدی‌تر به نظر می‌رسد.

۲. اصلاح عبارتی: تعبیر «اقدامات لازم را از قبیل تبلیغات محیطی و تذکری ... معمول دارند» که در ماده به کار رفته، دارای ایراد ادبی است و باید اصلاح شود، زیرا عطف تذکری بر محیط که وصف تبلیغات به‌شمار می‌رود، ناصحیح است.

## ماده سه

۱. مطابق ماده سه لایحه پیشنهادی، چنانچه صاحبان، مدیران و متصدیان صنوف و فروشگاه‌ها و اماکن عمومی، اعم از دولتی یا غیردولتی حجاب را رعایت نکنند، در مرتبه دوم تا یک هفته و در مرتبه سوم تا دو هفته تعطیل خواهند شد. چنین تنبیهی نسبت به مکان‌های دولتی و مکان‌های غیردولتی که زندگی افراد متعدد دیگری غیر از صاحب و متصدی به آن وابسته است، غیرمنطقی و نادرست است. نسبت به مراکز دولتی معنا نمی‌دهد که به‌جای برکناری مدیر و مسئول خاطی، مرکز دولتی پلمپ شود و نسبت به فروشگاه‌های بزرگ و یا واحدهای صنوفی بزرگ دولتی که ارتزاق افراد متعددی به آن وابسته است، این‌گونه افراد به‌سبب رفتار شخص دیگری (صاحب و مدیر آن مرکز) تنبیه شوند. (در صورتی که در موارد بسیار محدود و خاصی چنین اقدامی اجتناب‌ناپذیر باشد، صاحب یا مدیر و مسئول آن مکان را باید ملزم به جبران خسارتی کرد که دیگران به‌دلیل رفتار خلاف قانون وی متحمل شده‌اند).

۲. به‌موجب تبصره ماده سه، مالک و مدیر مکلف است ارباب رجوع را توصیه به رعایت حجاب کند و در صورت عدم توجه ارباب رجوع به تذکرات صاحبان یا مدیران فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، واحدهای صنفی و ...، صاحبان و

مدیران باید از ورود ارباب رجوع به آن مکان خودداری کنند. به نحوی که مراکز مزبور به تجمع افراد بی حجاب تبدیل شود، پروانه واحد مزبور ابطال شده و مرتکب، به مجازات درجه چهار محکوم می شود. چنین حکمی از جهاتی قابل نقد است. نخست اینکه کسب مجوز یک واحد یا فروشگاه یا مکان دولتی به جهت تقصیر مدیر آن بخش، چه توجیهی دارد؟ چرا به جای برکناری مدیر و مسئول مربوطه، پروانه آن مکان لغو می شود؟ دومین ایراد آن است که مجازات پیش بینی شده به دلیل ترک فعل یک مسئول یا مدیر و یا صاحب یک فروشگاه و رستوران - هر چند مکان مزبور به تجمع افراد بی حجاب تبدیل شده باشد - به هیچ وجه مجازات مناسبی به نظر نمی رسد. و بالاخره اینکه عبارت «جهت اعمال مجازات درجه چهار» از این جهت ابهام دارد که کدام یک از مجازات های درجه چهار؟ یک مجازات یا تمامی مجازات ها؟ و اگر یک مجازات مراد است، آن یک مجازات چیست؟ جزای نقدی یا حبس یا ...؟

#### ماده چهار

در ماده چهار لایحه، دو ابهام وجود دارد که باید برطرف شود.

- ابهام نخست آن است که مقصود از «شهرت و تأثیر گذاری» چیست؟ تأثیر گذاری و شهرت به چه میزان باید باشد و اصولاً چگونه باید تشخیص داده شود؟

- ابهام دوم آن است که در ذیل ماده آمده مجازات مرتکب، مجازات درجه شش خواهد بود بدون آنکه مشخص شود تمامی مجازات های مذکور در درجه شش مراد است یا یک مورد و اگر یک مورد مراد است، آن یک مجازات کدام مجازات است؛ حبس یا جزای نقدی یا ...؟

- سومین ابهام آن است که در صورت تکرار و عدم تنبه مرتکب، برای چه مدتی از فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای محروم خواهد شد؟ در تمام طول عمر یا کمتر از آن؟

### ماده پنج

- اصلاح عبارتی: با عنایت به اینکه ممنوعیت خروج از کشور خودش یکی از مجازات‌های تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ می‌باشد، بهتر است عبارت «به یک یا دو مورد از مجازات‌های موضوع ماده ۲۳» به عبارت «به یک یا دو مورد دیگر از مجازات‌های موضوع ماده ۲۳» تبدیل شود تا شبهه نشود که گویا تدوین‌کنندگان لایحه، ممنوعیت خروج از کشور را خارج از مجازات‌های تکمیلی تصور کرده‌اند. (به موجب ماده مزبور، مرتکب جرم یک مجازات ثابت دارد که عبارت است از حبس درجه ۵ و یک مجازات تکمیلی تعیینی دارد که عبارت است از خروج از کشور و یک یا دو مورد مجازات تکمیلی دارد که به تشخیص قاضی معین خواهد شد.)

### ماده شش

۱. تبلیغ و ترویج بی‌حجابی به دلیل اهمیت بالای آن به صورت مطلق باید جرم‌انگاری شود، در حالی که در لایحه، تنها تبلیغ و ترویج بی‌حجابی در فضای مجازی جرم‌انگاری شده است که نادرست است. هرچند غالباً ترویج و تبلیغ بی‌حجابی در فضای مجازی شدیدتر از فضای حقیقی است، لیکن همیشه این گونه نیست و گاه تبلیغ بی‌حجابی به دلیل کم بودن مراجعان به صفحه یا گروه تبلیغ‌کننده، تأثیر چندانی بر روی مخاطبان ندارد در حالی که ممکن است تبلیغ مستقیم افرادی در مجامع و حتی محافل و ملاقات‌های خصوصی اثرات

جدی‌تری داشته باشد. تبلیغ و ترویج بی‌حجابی گاهی نیز در فضای مطبوعات و از طریق انتشار کتاب‌های داستان و ... است. منحصر کردن جرم‌انگاری تبلیغ علیه حجاب به فضای مجازی، این‌گونه فعالیت‌های مخرب را از شمول جرم‌انگاری و مجازات خارج می‌سازد.

۲. به دلیل اهمیت موضوع، بهتر است در همان مرتبه، مرتکب به فراجا یا دادسرا احضار شود و تعهد دهد که ضمن حذف صفحات یا انحلال گروه و کانال یا ... در آینده مرتکب چنین رفتاری نشود. در صورت نقض تعهد در مرتبه بعد، رفتار وی مجرمانه تلقی شود و مجازات متناسبی برای وی در نظر گرفته شود و در صورتی که از اینترنت دیگری و یا با هویت جعلی اقدام به فعالیت نماید، مجازات‌های معمول نسبت به وی یک درجه تشدید شود. (به‌طور کلی در هر موردی که شخص ملزم به عدم فعالیت در فضای مجازی می‌شود، ضروری است برای نقض تعهداتش، ضمانت اجراهای سختی در نظر گرفته شود).

۳. در مواردی که مجری فراجاست، نه ضابط قضایی، اعداد و ارقام باید فیکس و کاملاً معین باشد. با توجه به این نکته لازم است به جای عبارت «به مدت سه ماه تا شش ماه» یک عدد کاملاً مشخص تعیین شود.

۴. عبارت ذیل ماده که مقرر داشته «در صورت عدم امکان محرومیت از فعالیت در فضای مجازی، مجازات جزای نقدی وی یک درجه تشدید می‌شود» دارای ابهام است و مشخص نیست مقصود از عدم امکان محرومیت چیست؟ یا مقصود عدم امکان بستن صفحه وی است که در این صورت راهکار آن است که خود مرتکب، ملزم به حذف اکانت یا صفحه یا انحلال گروه خود بشود و این امر ناممکنی نیست و اگر مقصود چیز دیگری است باید به آن تصریح شود که اصولاً چگونه ممنوع کردن مرتکب از فعالیت در فضای مجازی ممکن نیست؟

در چنین مواردی که مرتکب متنبه نشود و به فعالیت خود ادامه دهد، باید از مجازات حبس درجه بالاتر مانند حبس درجه پنج استفاده کرد، نه جزای نقدی که عدم بازدارندگی آن در مراتب قبلی این جرم مشخص شده است.

۵. در این ماده، میزان جریمه در مواردی بیش از میزان جزای نقدی در نظر گرفته شده است و این توجیه منطقی ندارد. میزان جریمه برای یک نوع رفتار (فعالیت تبلیغی) در بار دوم با وجود اینکه این رفتار در این مرحله تخلف محسوب می شود، حداکثر جزای نقدی درجه پنج است در حالی که میزان جزای نقدی در مرتبه بعدی برای فعالیت تبلیغی علی‌رغم اینکه رد آن، مرحله وصف مجرمانه به خود گرفته است، حداکثر جزای نقدی درجه شش می باشد (درست است که در مرتبه سوم، هم مبلغ جریمه قبلی در مرتبه سوم اخذ می شود و هم جزای نقدی درجه شش، لیکن نفس اینکه میزان جریمه برای یک رفتار بیشتر از میزان مجازات برای همان رفتار باشد، یک نوآوری نامطلوب و بلکه نوعی بدعت در قانون گذاری است.)

۶. اصلاح عبارتی: اولاً با توجه به اینکه به دلایل فنی عملاً امکان بستن صفحات توسط فراجا در موارد متعددی (مثل بستن گروه تلگرامی یا صفحه اینستاگرامی و ...) وجود ندارد، بهتر است عبارت «فراجا در مرتبه اول علاوه بر حذف صفحه یا صفحات ...» با توجه به محذور گفته شده به عبارت مناسب تر دیگری تغییر یابد. همچنین به نظر می رسد عبارت «صفحه یا صفحات مجازی» عبارت جامعی نیست و مواردی مانند گروه ها و کانال های تلگرامی و اتسایپی را شامل نمی شود و لذا لازم است عبارت جامع تری به کار برده شود.



## ماده هفت

۷. در ماده هفت بهتر است علاوه بر تعرض به پوشش بانوان محجبه، به موضوع عدم خدمات‌دهی توسط رستوران‌ها، فروشگاه‌ها و مانند آن به بانوان محجبه به سبب نوع پوششان، تصریح شود و ماده به این ترتیب اصلاح شود: «اشخاصی که به هر نحو متعرض پوشش بانوان محجبه شوند و یا به خاطر پوشش آنها از ارائه خدمات به آنها خودداری کنند و یا با الفاظ و اعمال مغایر شئون و حیثیت ... توهین یا آنها را استهزاء نمایند ...».

## ماده هشت

اصلاح عبارتی: عبارت ماده نامفهوم است و لازم است اصلاح عبارتی صورت بگیرد و عبارت «تحت هر عنوان نسبت به بانوان مرتکب اعمال مجرمانه از قبیل توهین ... حریم خصوصی آنان شود» به عبارت «تحت هر عنوان نسبت به بانوانی که مرتکب رفتارهای موضوع این قانون شده‌اند، مرتکب اعمال مجرمانه‌ای از قبیل توهین ... نقض حریم خصوصی شود» تبدیل شود.

## ماده چهارده

براساس ماده ۱۴ لایحه، مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم موضوع این قانون، دادسرا و دادگاه‌های مرکز استان می‌باشد که این امر غیرمنطقی و ناممکن است. رسیدگی به کشف حجاب یک شهروند در دادگاه‌های مرکز استان که برای رسیدگی به جرائم مهم باید در نظر گرفته شود، موجب تراکم پرونده‌ها در مراکز استان شده و عملاً دادگاه‌های مرکز استان را با توجه به کثرت این جرائم، مختل می‌سازد و از سوی دیگر شهرستان‌های یک استان، گاه بیش از صد کیلومتر با مرکز آن فاصله دارد که ارجاع تمام پرونده‌های مربوط به حجاب به مرکز استان، باعث بروز مشکلاتی برای شهروندان نیز خواهد شد.